
دستورهای زبانی یک دیکتاتور عاشق

مجموعه شعر

کامران رسولزاده



انتشارات فروزید

فہرست

- فصل اول : دیکتاتورى عشق..... ۷
- فصل دوم : دموکراسى عشق..... ۲۹
- فصل سوم : من بودن، زن بودن..... ۴۷
- فصل چہارم : کوتاہ مثل عشق..... ۵۷



به زبان دستور داده‌ام

که تو

دستور زبانم باشی،

از امروز

حکم من

دل است،

حالا خودت به زبان خوش

دلت را به من بسپار! وگرنه...

... : سرباز!

[سرباز بُر خورد بین دل‌هایی که روی دستم مانده بود]

... : با توام سرباز! حکم را اجرا کن!

[سرباز خودش را کُشت]

تو با دل سربازهای من چه کرده‌ای؟

تو با دل من چه کرده‌ای...؟



از بندهای شعر

قیدها را بردار!

نمی‌بینی؟

دارم عاشق می‌شوم

عشق که زمان و مکان سرش نمی‌شود

من

بی‌قیدترین عاشق جهانم...